

December-January 2021, Volume 9, Issue 5

## Structural Model of the Relationship between Parent-Child Relationship and Decision-Making Styles Mediated by Cognitive Emotion Regulation

Mitra Ghazi<sup>1</sup>, Fariborz Bagheri<sup>2\*</sup>, Reza Ghorban Jahromi<sup>3</sup>,  
Khadijeh Abu Al-Moali Al-Husseini<sup>4</sup>

1-Ph.D Student of Educational Psychology, Islamic Azad University, Science Research Branch of Tehran, Tehran, Iran.

2- Associate Professor of Psychology, Science & Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3- Assistant Professor of Psychology, Science & Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

4- Associate Professor of Psychology Faculty of Psychology and Social Sciences, Islamic Azad University, Roudehen Branch, Tehran, Iran.

**Corresponding Author:** Fariborz Bagheri, Associate Professor of Psychology, Science & Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

**Email:** F.Bagheri@srbiau.ac.ir

Received: 15 June 2021

Accepted: 19 Sep 2021

### Abstract

**Introduction:** Decision-making styles in adolescence are of particular importance as a sensitive period of development in which a person is exposed to intense and transient emotions. The aim of this study was to provide a structural model of the relationship between parent-child relationships and decision-making styles mediated by cognitive emotion regulation.

**Methods:** The present study was descriptive-correlation. The statistical population of the present study included 250,441 high school students in the academic year 2021-2020. 723 people were selected by random cluster sampling and asked to answer the questionnaires online. Data collection tools included a decision-making styles questionnaire, parent-child relationship pattern questionnaire, and cognitive emotion regulation questionnaire. Structural equation modeling was used to analyze the data.

**Results:** The results showed that the fit indices also indicated the proper fit of the model. It was also shown that cognitive emotion regulation has a mediating role in the relationship between parent-child relationship and decision-making styles ( $P < 0.01$ ).

**Conclusions:** Based on the results of this study, professionals working in the field of adolescents can improve the decision-making style of these people through the design of interventions and educational programs to improve parent-child relationship patterns and emotion regulation. Take action.

**Keywords:** Parent-child relationship, emotion regulation, decision making styles, adolescent.

## الگوی ساختاری رابطه بین ارتباط والد- فرزند و سبک های تصمیم گیری با میانجی گری تنظیم شناختی هیجان

میترا قاضی<sup>۱</sup>، فریبرز باقری<sup>۲\*</sup>، رضا قربان جهرمی<sup>۳</sup>، خدیجه ابوالمعالی حسینی<sup>۴</sup>

- ۱- دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، گروه روان شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران، تهران، ایران.  
 ۲- دانشیار، گروه روان شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران.  
 ۳- استادیار، گروه روان شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران.  
 ۴- دانشیار، گروه روانشناسی، دانشکده علوم اجتماعی و روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، تهران، ایران.

نویسنده مسئول: فریبرز باقری، دانشیار، گروه روان شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران.  
 ایمیل: F.Bagheri@srbiau.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۲۵

### چکیده

**مقدمه:** سبک های تصمیم گیری در دوره نوجوانی به عنوان دوره حساس رشد که فرد در معرض هیجانات شدید و گذرا قرار دارد، از اهمیت خاصی برخوردار است. پژوهش حاضر با هدف ارائه الگوی ساختاری رابطه بین ارتباط والد- فرزند و سبک های تصمیم گیری با میانجی گری تنظیم شناختی هیجان انجام شد.

**روش کار:** مطالعه حاضر، توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل دانش آموزان دوره دوم متوسطه شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ به تعداد ۲۵۰۴۴۱ نفر بودند. ۷۲۳ نفر به صورت نمونه گیری خوشه ای تصادفی انتخاب شدند و از آنها خواسته شد تا به پرسشنامه ها به صورت آنلاین پاسخ دهند. ابزار گردآوری داده ها شامل پرسشنامه سبک های تصمیم گیری اسکات و بروس (۱۹۹۵)، پرسشنامه الگوی ارتباط والد- فرزند باقری و غفاری جعفرزادگان (۱۳۹۲) و پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان گارنفسکی و کرایج (۲۰۰۷) بود. از روش مدل سازی معادلات ساختاری برای تجزیه و تحلیل داده ها استفاده شد.

**یافته ها:** نتایج پژوهش نشان داد شاخص های برآزش نیز گویای برآزش مناسب مدل بودند. همچنین نشان داده شد که تنظیم شناختی هیجان در رابطه بین ارتباط والد- فرزند و سبک های تصمیم گیری دارای نقش میانجی است ( $P < 0/01$ ).

**نتیجه گیری:** بر اساس نتایج حاصل از این مطالعه، متخصصان فعال در زمینه کار با نوجوانان می توانند به منظور بهبود سبک تصمیم گیری در این افراد از طریق طراحی مداخلات و برنامه های آموزشی، در جهت اصلاح الگوهای رابطه والد-فرزند و تنظیم هیجان اقدام نمایند.

**کلیدواژه ها:** ارتباط والد- فرزند، تنظیم شناختی هیجان، سبک های تصمیم گیری، نوجوان.

### مقدمه

نوجوانی دوره ای همراه با نوسانات شدید هیجانی و شناختی است و فرد در این دوره از یک سو با شرایطی مواجهه است که مستلزم تصمیم گیری های متعدد بوده و از سوی دیگر، تغییر و تحولات مرتبط با این دوره و پیامدهای ناشی از آن همچون تجربه هیجانات شدید و منفی یا بروز طرز تفکر انتقادی ممکن است فرایند تصمیم گیری را تحت

تأثیر قرار دهد (۱). بنابراین شناسایی عوامل موثر در تصمیم گیری در این دوره سنی حایز اهمیت است (۲). تصمیم گیری می تواند به عنوان نتیجه فرآیندهای ذهنی در نظر گرفته شود که منجر به انتخاب یک دوره عمل بین گزینه های متعدد در هنگام مواجهه فرد با مشکل یا موقعیتی می شود (۲). سبک های تصمیم گیری به عنوان الگوی پاسخ آموخته شده عادت می که فرد در هنگام نیاز به تصمیم

(۹). بر همین اساس نحوه ارتباط والد - فرزند یکی از عوامل موثر در رشد کودکان و فرایندهای جسمانی و شناختی است و چگونگی تعامل والدین با کودکان می تواند جنبه های مختلف زندگی آنها را تحت الشعاع قرار دهد (۱۰). در این رابطه باقری الگوی ارتباطی والد-فرزند امنیت مدار و آزادی مدار را معرفی می کند (۱۱). فرزندان تربیت شده با الگوی تربیتی امنیت مدار، بیشتر گرایش به مدارا با دیگران، صبر و در اولویت قرار دادن خواسته های دیگران دارند و نمی توانند نه بگویند. در سبک آزادی مدار، حمایت افراطی همراه با نازپروردگی و عدم رعایت حد و حدود مانع کسب تجربه توسط فرزند می شود و به دلیل فقدان ارائه ارزشها و باورها به فرزند، آنها از مرجع درونی هدایت کننده محروم هستند (۱۰). در واقع ویژگیهای ارتباطی والد و فرزند بر جهت مندی و فعالیت های هدفمند فرزند موثر است و بر اساس آنها فرد در بین جریان های فکری و سبکهای زندگی موجود، جهت یابی می کند و به موضع و جایگاه خود و پیامدهای آن برای تحول خود آگاه می شود (۱۱). ابعاد الگوی ارتباطی والد-فرزند امنیت مدار و آزادی مدار شامل تزلزل و نرمی، کنترل و محدودیت، نازپروردگی، رسمیت، درهم تیدگی، مقبولیت مشروط و رهایی هستند. تزلزل و نرمی گویای وضعیتی است که ارتباط فرزندان با والدین در این حالت، ثبات ندارد و بر اساس قاعده و قانون ثابت نیست؛ در نتیجه پیش بینی آن دشوار است. در حالت کنترل و محدودیت فرزندان تحت محدودیتهای والدین هستند و باید از بسیاری خواسته ها و نظرها و علایق خود چشم پوشی کنند و بدین ترتیب دامنه تجربیات و رشد شخصی خویش را محدود سازند. از ویژگی اصلی نوع ارتباط رسمی، برجسته بودن حدود، مرزها، حرمتها، فاصله ها و کم رنگ بودن نقش بازخوردهای هیجانی و ابراز عواطف، تماس چشمی و در آغوش گرفتن است. نازپروردگی نشان دهنده والدینی است که حمایتگر افراطی برای فرزندان شان هستند. درهم تیدگی نشان دهنده نظام خانوادگی است که در آن در مورد ارتباط اعضای آن حریم ها، مرزها و حرمت ها رعایت نمی شوند و اولین چیزی که قربانی می شود، هویت هاست. در الگوی ارتباط مبتنی بر ارزش مشروط، منوط و مشروط کردن پذیرش فرزند، مانع از بروز و بازنمایی تجربیات او می شود. حالت رهایی بیانگر فرزندان است که والدینشان در

گیری اتخاذ می کند، تعریف شده است (۳). طبق نظر اسکات و بروس (۴)، افراد با انتخاب یک سبک در موقعیت های گوناگون، تصمیم می گیرند. در همین راستا، اسکات و بروس (۴) پنج سبک تصمیم گیری منطقی، اجتنابی، وابسته، شهودی و آنی را ارائه می دهند. سبک تصمیم گیری منطقی بیانگر تمایل تصمیم گیرنده به شناسایی تمامی راهکارهای ممکن، ارزیابی نتایج هر راهکار از تمامی جنبه های مختلف و در نهایت انتخاب راهکار بهینه و مطلوب توسط تصمیم گیرنده در هنگام مواجهه با شرایط تصمیم گیری است. سبک تصمیم گیری اجتنابی را می توان تلاش و تمایل فرد تصمیم گیرنده به اجتناب از اتخاذ هرگونه تصمیم و به تعویق انداختن تصمیم گیری معرفی کرد. سبک تصمیم گیری وابسته بیانگر عدم استقلال فکری و عملی تصمیم گیرنده در اتخاذ تصمیم است (۴). سبک تصمیم گیری شهودی از طریق تجربه حمایت می شود و تمرکز بر روی احساسات و یادگیری ضمنی را به عنوان پایه ای برای انتخاب، مد نظر قرار می دهد و در واقع گویای نوعی شرم و فراست درونی است (۴). سبک تصمیم گیری آنی به اخذ تصمیمات آنی و بی مقدمه، بلافاصله در لحظه مواجه شدن با مسئله، اشاره دارد. تصمیم گیری به عنوان یک فرایند ذهنی پیچیده تحت تاثیر عواملی همچون فرهنگ، اعتقاد و ارزش ها، نگرش ها، شخصیت، هیجانات، تجارب فردی، دانش و بینش قرار دارد (۵). یکی از عوامل موثر در شکل گیری سبک های تصمیم گیری تصمیم گیری و مهارت افراد در این زمینه مربوط به محیط پرورشی و الگوی روابط والد فرزند است (۳).

محیط خانواده و روابط بین اعضای آن از جمله مهم ترین متغیرهای مربوط به خانواده است که تاثیر به سزایی بر رشد توانایی های شناختی، اجتماعی و عاطفی آنان دارد (۶). در واقع، خانواده نشان دهنده محیط اجتماعی بی واسطه و عرصه حمایت و یکپارچگی اجتماعی روزانه افراد است (۷). والدین می توانند بر رشد اجتماعی و هیجانی کودکانشان بسیار اثرگذار باشند. بر طبق شواهد موجود، اغلب مشکلات رفتاری و هیجانی در کودکان و نوجوانان حاصل نحوه ارتباط والدین با کودک است (۸). نخستین معرف دنیای ارتباطات برای کودک، رابطه والدین با او است و احساس عشق، صمیمیت و امنیت به طور مستقیم ریشه در این روابط دارد

مقابل انتخابها، تصمیمات و نحوه عملکرد ایشان همه چیز را به عهده خود فرزندان می گذارند.

هیجان ها و نحوه مواجهه با آنها و مدیریت و تنظیم آنها از جمله متغیرهایی است که می تواند از یک سو با رابطه والد - فرزند و از سوی دیگر، با سبک های تصمیم گیری در ارتباط باشد (۱۲). افراد به هنگام تجربه رخدادهای تهدیدکننده یا تنش زای زندگی، قبل از انجام هر کاری به لحاظ شناختی از راهبردهای تنظیم هیجان استفاده می کنند (۱۳). راهبردهای تنظیم شناختی هیجان از موثرترین عوامل فردی در سلامت روان به شمار می رود (۱۴)، چرا که اینگونه راهبردها را افراد در شرایط پریشانی بکار می برند تا هیجان خود را کنترل کنند و از طریق آن فرد هیجانان خود را برای پاسخ مناسب به خواسته های محیطی تنظیم می کند (۱۵). بنابراین تنظیم هیجان ها همراه همیشگی آدمی است که به مدیریت یا تنظیم عواطف و هیجان ها کمک می کند و به انسان توان سازگاری بیشتر را می دهد (۱۶). در همین راستا گارنفسکی و کرایج (۱۷) نه راهبرد متفاوت تنظیم شناختی هیجان را تحت عنوان سرزنش خود (مقصر دانستن و سرزنش خود)، پذیرش (تفکر با محتوای پذیرش رخداد)، نشخوار ذهنی (اشتغال ذهنی درباره احساسات و تفکرات مرتبط با واقعه منفی)، تمرکز مجدد مثبت (فکر کردن به موضوع لذت بخش و شاد به جای تفکر درباره حادثه واقعی)، تمرکز مجدد بر برنامه ریزی (فکر کردن درباره مراحل فایق آمدن بر واقعه منفی یا تغییر آن)، ارزیابی مجدد مثبت (تفکر درباره جنبه های مثبت واقعه یا ارتقای شخصی)، اتخاذ دیدگاه (تفکر مربوط به کم اهمیت بودن واقعه یا تاکید بر نسبییت آن در مقایسه با سایر وقایع)، فاجعه سازی (تفکر با محتوای وحشت از حادثه) و سرزنش دیگران (تفکر با محتوای مقصر دانستن و سرزنش دیگران به خاطر آنچه اتفاق افتاده است) معرفی کرده اند. سرزنش خود، سرزنش دیگران، فاجعه سازی و نشخوار ذهنی از راهبردهای ناسازگارانه تنظیم هیجان هستند و اگر افراد در مواجهه با شرایط تنیدگی زا از این راهبردهای تنظیم هیجانی استفاده کنند به معنای ناتوانی آنها در مدیریت شرایط هیجانی است و می تواند با آسیب های فردی و اجتماعی متعدد همراه باشد. در مقابل استفاده از راهبردهای سازگارانه تنظیم هیجان شامل پذیرش، تمرکز

مجدد مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه ریزی، ارزیابی مجدد مثبت و اتخاذ دیدگاه از راهبردهای سازگارانه تنظیم هیجان هستند و می توان آنها را جزء مهارت هایی در نظر گرفت که با توجه به آن افراد می دانند که چه هیجانی را در چه زمانی و چگونه ابراز کنند که حالات هیجانی را تا حدی تحت کنترل داشته باشند و بتوانند واکنش های هیجانی خود را تعدیل کنند (۱۸).

یافته برخی از مطالعات نشان دهنده این است که ماهیت رابطه والد فرزند و تجارب دوران کودکی در ارتباط با والدین پیش بین مهم مهارت افراد در بزرگسالی در زمینه تنظیم و مدیریت هیجانها است (۲۱-۱۹). به طوری که نشان داده شده است که والدینی که به هیجانان فرزندانشان خود بها می دهند و با ایجاد فضایی امن به آنها اجازه ابراز این هیجانان را می دهند، فرزندان را پرورش می دهند که در نوجوانی و بزرگسالی به خوبی قادر به شناسایی هیجانان خود و دیگران و مدیریت هیجانان خود طبق شرایط مختلف هستند (۲۱-۱۹). همچنین نشان داده شده است که کیفیت رابطه والد فرزند می تواند عامل مهمی در میزان موفقیت افراد در سنین کودکی و بزرگسالی باشد و افرادی که از تجربه مثبت در ارتباط با والدین خود خبر می دهند، این تجارب مثبت شکل دهنده حس خود ارزشمندی و خودکارآمدی و اعتماد به نفس برای آنهاست که نقش مهمی در تعیین نحوه عملکرد آنها در موقعیتهای زندگی دارد (۶). از طرف دیگر یافته مطالعات گویای این است که نشان داده شده است که مهارت و توانایی افراد در تنظیم هیجانان خود می تواند پیش بین نیرومند عملکرد موفق آنها در شرایط استرس زا است (۲۴-۲۲). چرا که این افراد قادر هستند در شرایط مختلف از جمله شرایط حساس و استرس زا با حفظ ثبات درونی خود و استفاده بهینه از مهارت و توانمندی خود همچون مهارت حل مسیله، مدیریت استرس و زمان، به مدیریت بهتر شرایط بپردازند و بهترین عملکرد را نشان دهند.

دوره نوجوانی یکی از دوران حساس رشدی است و فرد با تحولات رشدی وسیع در ابعاد مختلف جسمی، شناختی، هیجانی، عاطفی، اجتماعی مواجهه می شود. نوجوانان در معرض آسیب های مختلف فردی و اجتماعی قرار دارند چرا که در از یک سو در دوره ای از رشد خود قرار دارند

## میترا قاضی و همکاران

تعداد حجم نمونه ۷۲۰ نفر تعیین شد. برای نمونه گیری در ابتدا از بین مناطق جغرافیایی شمال، جنوب، شرق، مرکز و غرب به صورت تصادفی مناطق ۲-۴-۵-۱۱-۱۶-۱۴ انتخاب شدند و از هر منطقه به طور تصادفی دو مدرسه دخترانه و دو مدرسه پسرانه دوره دوم متوسطه انتخاب شد و از دانش آموزان خواسته شد تا به پرسشنامه ها پاسخ دهند. معیارهای ورود به مطالعه شامل: دانش آموز مقطع متوسطه، والدین در قید حیات باشند، ملیت ایرانی، رضایت برای شرکت در پژوهش و معیار خروج از مطالعه شامل جدا از هم زندگی کردن والدین (زندگی کردن با یکی از والدین) و داشتن بیماری طی و روانی جدی بود.

جهت اجرا مطالعه، در ابتدا از سوی کمیته اخلاق در پژوهش دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، کد اخلاق با شناسه IR.IAU.SRB.REC.1399.199 صادر شد. همچنین پس از آن اقدامات لازم جهت کسب مجوزهای لازم از دانشگاه و آموزش و پرورش و مدارس صورت گرفت. در ادامه با مسئولین آموزش و پرورش و مدارس هماهنگی های لازم صورت گرفت و پس از جلب موافقت مسئولین و دریافت مجوز و امضای قرارداد اخلاقی توسط پژوهشگر، اعضای گروه نمونه انتخاب شدند. پیش از اجرای طرح پژوهشی، توضیحاتی به شرکت کنندگان در مورد اهداف پژوهش و ضرورت آن داده شد. همچنین شرکت داوطلبانه نیز مطرح شده و اینکه شرکت در پژوهش کاملاً اختیاری است و عدم مشارکت، تاثیری بر روند تحصیلی آنها نخواهد داشت و در مورد محرمانه ماندن اطلاعات نزد پژوهشگر نیز توضیح داده شد. در صورت موافقت آنها برای شرکت در تحقیق و بعد از دادن آگاهی های اولیه به آنها در خصوص پژوهش، پرسشنامه های طرح پژوهشی به صورت آنلاین برای تکمیل در اختیار آنها قرار گرفت. از ابزار زیر برای جمع آوری داده ها استفاده گردید.

پرسشنامه سبک های تصمیم گیری (General decision making styles questionnaire)، پرسشنامه سبک های تصمیم گیری اسکات و بروس (۱۹۹۵) مشتمل بر ۲۵ گویه در طیف لیکرت ۵ درجه ای (هرگز = ۱، به ندرت = ۲، گاهی = ۳، بیشتر = ۴، همیشه = ۵) طراحی شده است (۴). این پرسشنامه ۵ سبک تصمیم گیری عقلانی (شامل گویه های ۱، ۳، ۲۵، ۱۳، ۱۱، ۷، ۴)، شهودی (شامل گویه های ۱۷، ۱۶، ۱۲، ۳، ۱)،

که دو راهی های بسیاری برای آنها وجود دارد و ناچاراً باید از بین گزینه های موجود دست به انتخاب بزنند و سوی دیگر، به دلیل این تحولات گسترده از ثبات عاطفی و هیجانی کافی برخوردار نیستند. یک نوجوان لازم است در مورد رشته تحصیلی، شغل خود در آینده، جهت فکری، گروه دوستان، نوع گرایشات خود و بسیاری از مسایل دست به انتخاب بزند و تصمیم گیری کند و از سوی دیگر به دلیل تغییر و تحولات زیستی خود با نوسانات زیادی در حوزه هیجان و احساس مواجهه است که این نوسانات و عدم ثبات احساسی می تواند با ایجاد اختلال در فرایند شناختی زمینه ساز بدعملکردی وی به ویژه ناتوانیش در تصمیم گیری عاقلانه و غیراحساسی شود و احتمال انتخاب گزینه ها و تصمیمات نادرست و بعضاً غیرقابل جبران را فراهم سازد که پیامدی جز ناکامی و پشیمانی نخواهد داشت. بنابراین، به نظر می رسد که مدیریت هیجانات و احساسی عمل نکردن یک چالش اساسی برای هر نوجوانی است و مهارت نوجوانان در غلبه بر هیجانات شدید خود می تواند آنها را از بسیاری از آسیب ها از جمله تصمیم گیری نادرست در امان بدارد. بنابراین شناسایی عوامل دخیل در مهارت تنظیم هیجانات موضوعی حیاتی، به نظر می رسد تا با توجه به آن عوامل بتوان نوجوانان را در مدیریت بهتر هیجانات یاری رساند و در این به نظر می رسد که رابطه والد فرزند یک متغیر کلیدی است. بر همین اساس مطالعه حاضر به دنبال پاسخگویی به این سوال است که آیا راهبردهای تنظیم شناختی هیجان در ارتباط بین رابطه والد-فرزندی و سبکهای تصمیم گیری دارای نقش میانجی است؟

## روش کار

این مطالعه از نظر هدف کاربردی و از نظر روش گردآوری داده ها توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل دانش آموزان دوره دوم متوسطه شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ بود. تعداد ۷۲۳ نفر به صورت نمونه گیری خوشه ای انتخاب شدند و از آنها خواسته شد تا به پرسشنامه ها به صورت برخط پاسخ دهند. بر اساس نظر کوهن (۲۶) و با در نظر گرفتن سطح خطای ۵ درصد، توان آزمون ۸۰ درصد، اندازه اثر ۰/۳۰ و داشتن حدود ۲۲ عامل اصلی در پرسشنامه های مورد استفاده با ۹۱ گویه،

وابستگی (شامل گویه های ۱۸، ۲۲، ۱۰، ۲۵)، آنی (شامل گویه های ۲۱، ۲۰، ۱۵، ۸، ۹) و اجتنابی (شامل گویه های ۲۳، ۲۱، ۱۹، ۱۴، ۶) را می سنجد. به منظور سنجش هر یک از سبک های تصمیم گیری در این پرسشنامه ۵ پرسش اختصاص داده شده است. دامنه نمرات در این پرسشنامه از ۲۵ تا ۱۲۵ است. دامنه نمرات برای هر سبک تصمیم گیری ۵ تا ۲۵ است. اسکات و بروس (۱۹۹۵) روایی سازه این پرسشنامه را با تحلیل عاملی و گزارش یک مدل ساختاری ۵ عاملی با برازش مدل مورد تایید قرار دادند و آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس سبک عقلانی ۰/۸۵، سبک شهودی ۰/۸۴، سبک وابستگی ۰/۸۶، سبک آنی ۰/۹۴ و سبک اجتنابی ۰/۸۷ گزارش کردند (۴). پرسشنامه سبک های تصمیم گیری در مطالعه ای بر روی جمعیت ایرانی هنجاریابی شده است که با تحلیل عامل اکتشافی پنج عامل سبک تصمیم گیری منطقی، شهودی وابسته، آنی و اجتنابی استخراج شد و مدل ساختاری آن از برازش مناسبی برخوردار بود و این گویای روایی سازه این ابزار است و همچنین مقدار آلفای کرونباخ برای سبک های تصمیم گیری از ۰/۶۶ تا ۰/۸۷ گزارش شده است (۲۵). در مطالعه حاضر، ضریب آلفای کرونباخ برای سبک های تصمیم گیری در دامنه ۰/۷۷ تا ۰/۹۰ به دست آمد.

پرسشنامه الگوی ارتباط والد - فرزند (Parent-Child Relationship Pattern Questionnaire)، این پرسشنامه توسط باقری و غفاری جعفرزادگان در سال ۱۳۹۲ تدوین شده و دارای ۴۸ ماده و هشت خرده مقیاس است (۹). این خرده مقیاس ها شامل انعطاف پذیری (گویه های ۴۱، ۳۳، ۲۵، ۱۷، ۱۹)، تزلزل و نرمی (گویه های ۴۲، ۳۴، ۲۶، ۱۸، ۲۰، ۲)، کنترل/محدودیت (گویه های ۳، ۴۳، ۳۵، ۲۷، ۱۹، ۱۱)، نازپروردگی (گویه های ۴۴، ۳۶، ۲۸، ۲۰، ۱۲، ۴)، رسمیت (گویه های ۴۵، ۳۷، ۲۹، ۲۱، ۱۳، ۵)، درهم تنیدگی (گویه های ۳۸، ۳۰، ۳۲، ۱۴، ۶)، مقبولیت مشروط (گویه های ۴۷، ۳۹، ۳۱، ۲۳، ۱۵، ۷) و رهایی (گویه های ۴۸، ۴۰، ۳۲، ۲۴، ۱۶، ۸) هستند که در یک طیف لیکرت ۵ گزینه ای از کاملاً همین گونه است = ۵ تا اصلاً اینگونه نیست = ۱ ارزیابی می شود. این پرسشنامه دو الگوی امنیت مدار و آزادی مدار در رابطه والد-فرزند را بررسی می کند و فرزندان یکبار به این سوالات درباره رابطه خود با مادر و یکبار در رابطه خود با پدر پاسخ می دهند. مؤلفه

انعطاف ناپذیری، کنترل/محدودیت، رسمیت و مقبولیت مشروط مربوط به الگوی امنیت مدار و مولفه های تزلزل، نازپروردگی، درهم تنیدگی و رهایی مربوط به الگوی آزادی مدار هستند. در مطالعه باقری و غفاری جعفرزادگان (۱۳۹۲) ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۶۶ به دست آمده است. همچنین آنها نشان دادند که در تحلیل عاملی این پرسشنامه بارهای عاملی ماده ها کمتر از ۰/۶۰ نبود و اکثر بارهای عاملی مشاهده شده بین ۰/۷۵ تا ۰/۸۵ قرار داشت (۹). در مطالعه حاضر، ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۶۹ به دست آمد.

پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان (cognitive emotional regulation questionair)، این یک پرسشنامه چند بعدی می باشد که توسط گارنفسکی و کرایچ در سال ۲۰۰۷ ساخته شده است. این پرسشنامه دارای ۱۸ گویه و ۹ زیر مقیاس است. ۵ زیر مقیاس این پرسشنامه مربوط به سبک های سازگاران تنظیم شناختی هیجان و ۴ زیر مقیاس دیگر مربوط به سبک های ناسازگاران تنظیم شناختی هیجان هستند. سبک های ناسازگاران تنظیم شناختی عبارتند از: سرزنش خود (۱، ۲)، نشخوار فکری (۵، ۶)، فاجعه انگاری (۱۶، ۱۵) و سرزنش دیگران (۱۷، ۱۸). سبک های سازگاران تنظیم شناختی هیجان عبارتند از: پذیرش (۴، ۳)، تمرکز مجدد مثبت (۸، ۷)، تمرکز مجدد بر برنامه ریزی (۱۰، ۹)، ارزیابی مجدد مثبت (۱۲، ۱۱)، کنار آمدن با دیدگاه (۱۴، ۱۳). در این پرسشنامه حداقل نمره ۱۸ و حداکثر نمره ۹۰ است. حداقل و حداکثر نمرات حاصل از سبک های سازگاران تنظیم شناختی هیجان به ترتیب ۱۰ و ۵۰ و حداقل و حداکثر نمرات حاصل از سبک های ناسازگاران تنظیم شناختی هیجان ۸ و ۴۰ است. گارنفسکی و کرایچ (۲۰۰۷) برای روایی سازه این پرسشنامه را بررسی کرده و ساختار ۹ عاملی آن را مورد تایید قرار دادند و پایایی سبک های سازگاران و ناسازگاران تنظیم شناختی و کل پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ را به ترتیب برابر ۰/۹۱، ۰/۸۷ و ۰/۹۳ گزارش کردند. در یک مطالعه در ایران، ویژگیهای روانسنجی این پرسشنامه بررسی شد و مقادیر پایایی آلفای کرونباخ و ضریب بازآزمایی (با فاصله زمانی ۴ هفته) برای نمره کل پرسشنامه به ترتیب ۰/۸۸ و ۰/۸۱ بدست آمده و برای زیر مقیاس ها در دامنه ۰/۶۳ تا ۰/۸۵ گزارش شده است. همچنین در این مطالعه

## میترا قاضی و همکاران

میانگین سنی افراد شرکت کننده  $16/83 \pm 1/72$  بود. از ۷۲۳ شرکت کننده ۳۹۳ نفر دختر و ۳۳۰ نفر پسر بودند. ۲۲ درصد از شرکت کنندگان در رشته ریاضی، ۲۳ درصد در رشته انسانی، ۲۴ درصد در رشته تجربی، ۱۱ درصد در رشته فنی حرفه ای و ۱۳ درصد در رشته کار و دانش و ۷ درصد در هنرستان بودند. نتایج مربوط به ماتریس همبستگی راهبردهای تنظیم شناختی هیجان، رابطه والد-فرزندی و سبک های تصمیم گیری در (جدول ۱) نشان داده شده است.

روایی صوری و محتوایی این پرسشنامه مورد بررسی و تایید قرار گرفت (۲۶). در مطالعه حاضر، ضریب آلفای کرونباخ برای سبک های سازگاران و ناسازگاران تنظیم شناختی و کل پرسشنامه به ترتیب  $0/82$  و  $0/78$  و  $0/86$  به دست آمد. در این مطالعه، از روش آماری همبستگی پیرسون و روش مدل سازی معادلات ساختاری با نرم افزار AMOS نسخه ۲۳ و نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ برای تحلیل داده ها در سطح معناداری  $0/05$  استفاده شد.

## یافته ها

جدول ۱: ماتریس همبستگی رابطه والد-فرزندی، راهبردهای تنظیم شناختی هیجان و سبک های تصمیم گیری

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
الگوی امنیت مدار	۷۳/۹۶	۱۶/۶۰	۱								
الگوی آزادی مدار	۶۱/۱۳	۹/۰۷	$-0/11$	۱							
تنظیم سازگاران تنظیم هیجان	۳۲/۰۳	۶/۱۳	$-0/19^{**}$	$-0/14$	۱						
تنظیم ناسازگاران تنظیم هیجان	۲۲/۲۳	۶/۰۸	$-0/12$	$-0/20^{**}$	$-0/08$	۱					
سبک عقلانی	۱۸/۶۶	۳/۳۶	$0/15$	$0/13$	$0/33^{**}$	$-0/20^{**}$	۱				
سبک شهودی	۱۸/۴۵	۳/۰۳	$-0/12$	$-0/08$	$-0/30^{**}$	$0/22^{**}$	$-0/18^{**}$	۱			
سبک وابستگی	۱۴/۹۷	۲/۷۹	$-0/10$	$0/14$	$-0/26^{**}$	$0/34^{**}$	$-0/11$	$0/10$	۱		
سبک اجتنابی	۱۱/۰۵	۳/۶۸	$-0/19^{**}$	$-0/24^{**}$	$-0/35^{**}$	$0/31^{**}$	$-0/22^{**}$	$0/16$	$0/26^{**}$	۱	
سبک آنی	۱۴/۷۴	۳/۰۶	$0/18^{**}$	$0/11$	$-0/21^{**}$	$0/29^{**}$	$-0/28^{**}$	$0/33^{**}$	$0/15$	$-0/03$	۱

اختلاف معنی دار  $p < 0/01$  \*\*

مثبت معنادار در سطح  $0/01$  بود. قبل از تحلیل داده ها، برای اطمینان از اینکه داده ها مفروضه های زیربنایی مدل معادلات ساختاری را برآورد می کنند، به بررسی آنها پرداخته شد. برای بررسی استقلال باقیمانده ها، از آماره دوربین واتسون استفاده شد. بررسی شاخص VIF (بیشتر از  $1/0$ ) و شاخص تحمل (کمتر از  $0/1$ ) نشان داد که این دو شاخص در هر یک از متغیرهای پیش بین در حد مطلوب است و بین متغیرهای پیش بین همبستگی های بزرگ وجود ندارد. جهت بررسی نرمال بودن متغیرها از کجی و کشیدگی متغیرها و آزمون کلموگروف اسمیرنوف استفاده شد.

همانطور که نتایج مندرج در (جدول ۱) نشان می دهد، الگوی رابطه والد فرزند امنیت مدار با سبک تصمیم گیری اجتنابی و آنی و الگوی رابطه والد فرزند آزادی مدار با سبک تصمیم گیری اجتنابی دارای همبستگی مثبت معنادار در سطح  $0/01$  بود. تنظیم سازگاران هیجان با سبک تصمیم گیری عقلانی دارای همبستگی مثبت و با سبک تصمیم گیری شهودی، وابستگی، اجتنابی و آنی دارای همبستگی منفی معنادار و تنظیم ناسازگاران هیجان با سبک تصمیم گیری عقلانی دارای همبستگی منفی و با سبک تصمیم گیری شهودی، وابستگی، اجتنابی و آنی دارای همبستگی

پراکندگی متغیرهای پژوهش بود ( $P > 0.05$ ). جهت آزمودن نقش میانجی راهبردهای تنظیم شناختی هیجان در ارتباط بین رابطه والد-فرزندی و سبک های تصمیم گیری از روش الگویابی معادلات ساختاری استفاده شد که شاخص های برازندگی الگوی پیشنهادی در (جدول ۲) گزارش شده است.

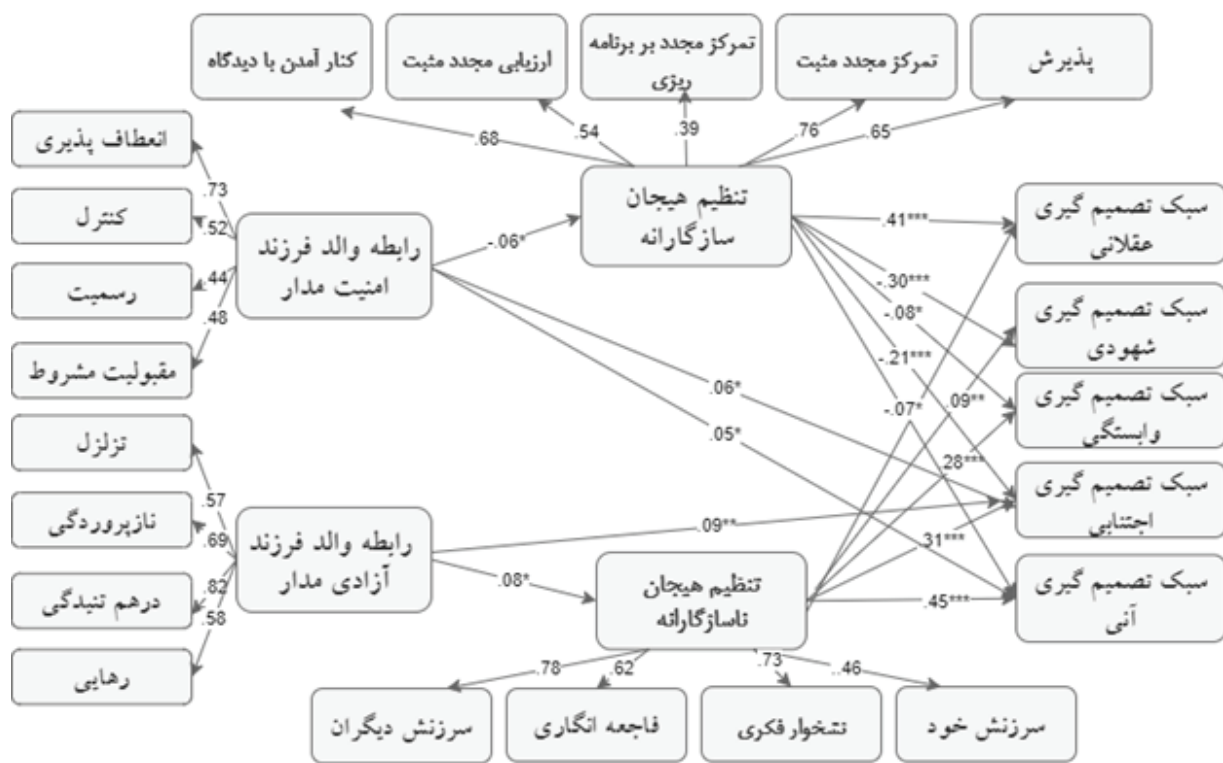
نتایج ضریب کجی و ضریب کشیدگی نشان داد که با توجه به معیار نرمال بودن، متغیرهای پژوهش همگی دارای قدر مطلق ضریب کجی و ضریب کشیدگی کوچکتر از ۲ هستند و لذا تخطی از نرمال بودن داده ها قابل مشاهده نبود. نتایج آزمون کلموگروف اسمیرنوف نیز گویای نرمال بودن توزیع

جدول ۲: شاخص های برازش مدل نقش واسطه ای راهبردهای تنظیم شناختی هیجان در ارتباط بین رابطه والد-فرزندی و سبک های تصمیم گیری

NFI	IFI	TLI	CFI	AGFI	GFI	RMSEA	X <sup>2</sup> /df	P	df	x <sup>2</sup>
۰/۸۵	۰/۸۸	۰/۹۰	۰/۹۸	۰/۹۱	۰/۹۲	۰/۰۲	۲/۰۳	< ۰/۰۱	۲۱	۴۲/۸۱
> ۰/۹۰	> ۰/۹۰	> ۰/۹۰	> ۰/۹۰	> ۰/۹۰	> ۰/۹۰	< ۰/۰۸	-	> ۰/۰۵	-	-

دانش آموزان را نشان می دهد. مسیرهای مربوط به مدل فرضی نقش واسطه ای تنظیم هیجان در رابطه بین ارتباط بین رابطه والد-فرزند و سبکهای تصمیم گیری در دانش آموزان را بعد از اصلاح نشان می دهد.

با توجه به اطلاعات مربوط به (جدول ۲)، می توان گفت الگو از برازش خوبی برخوردار است. مسیرهای مربوط به مدل فرضی نقش واسطه ای تنظیم هیجان در رابطه بین ارتباط بین رابطه والد-فرزند و سبکهای تصمیم گیری در



شکل ۱. مدل معادله ساختاری نقش میانجی تنظیم هیجان در رابطه بین ارتباط بین رابطه والد-فرزند و سبکهای تصمیم گیری در دانش آموزان در حالت معناداری

سبکهای تصمیم گیری در دانش آموزان در شکل و جداول زیر گزارش شده است:

همچنین پارامتر اصلی این مدل یعنی نقش میانجی تنظیم هیجان در رابطه بین ارتباط بین رابطه والد-فرزند و



## میترا قاضی و همکاران

جدول ۳: نتایج اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرها و مسیرهای مدل نقش میانجی تنظیم هیجان در رابطه بین ارتباط بین رابطه والد- فرزند و سبک های تصمیم گیری در دانش آموزان

معناداری	آماره تی	ضرایب مسیر استاندارد	مسیرهای مدل
۰/۰۲۵	۲/۳۵	۰/۰۸	الگوی آزادی مدار >--- تنظیم ناسازگارانه هیجان
۰/۰۴۲	۲/۱۰	-۰/۰۶	الگوی امنیت مدار >--- تنظیم سازگارانه هیجان
۰/۰۱۰	۲/۶۳	۰/۰۹	الگوی آزادی مدار >--- سبک اجتنابی
۰/۰۰۱	۱۲/۵۳	۰/۴۱	تنظیم سازگارانه هیجان >--- سبک عقلانی
۰/۰۰۱	۸/۶۹	-۰/۳۰	تنظیم سازگارانه هیجان >--- سبک شهودی
۰/۰۲۳	۲/۵۳	-۰/۰۸	تنظیم سازگارانه هیجان >--- سبک وابستگی
۰/۰۰۱	۶/۳۸	-۰/۲۱	تنظیم سازگارانه هیجان >--- سبک اجتنابی
۰/۰۳۴	۲/۳۱	-۰/۰۷	تنظیم سازگارانه هیجان >--- سبک آنی
۰/۰۴۱	۲/۰۸	۰/۰۶	الگوی امنیت مدار >--- سبک اجتنابی
۰/۰۴۶	۲/۰۵	۰/۰۵	الگوی امنیت مدار >--- سبک آنی
۰/۰۱۰	۲/۶۷	۰/۰۹	تنظیم ناسازگارانه هیجان >--- سبک شهودی
۰/۰۰۱	۸/۱۱	۰/۲۸	تنظیم ناسازگارانه هیجان >--- سبک وابستگی
۰/۰۰۱	۹/۴۱	۰/۳۱	تنظیم ناسازگارانه هیجان >--- سبک اجتنابی
۰/۰۰۱	۱۴/۱۱	۰/۴۵	تنظیم ناسازگارانه هیجان >--- سبک آنی
۰/۰۳۳	-۲/۳۰	-۰/۰۷	تنظیم ناسازگارانه هیجان >--- سبک عقلانی
۰/۲۹۱	۰/۳۷	۰/۰۲	الگوی امنیت مدار >--- تنظیم هیجان >--- سبک آنی
۰/۰۱۹	۳/۶۰	۰/۰۷	الگوی آزادی مدار >--- تنظیم هیجان >--- سبک آنی
۰/۰۳۲	۳/۳۸	۰/۰۵	الگوی امنیت مدار >--- تنظیم هیجان >--- سبک وابستگی
۰/۰۱۰	۳/۸۸	۰/۰۸	الگوی آزادی مدار >--- تنظیم هیجان >--- سبک وابستگی
۰/۰۱۷	۳/۶۳	۰/۰۷	الگوی امنیت مدار >--- تنظیم هیجان >--- سبک شهودی
۰/۲۹۲	۰/۳۷	۰/۰۲	الگوی آزادی مدار >--- تنظیم هیجان >--- سبک شهودی
۰/۰۰۶	۴/۲۸	-۰/۱۰	الگوی امنیت مدار >--- تنظیم هیجان >--- سبک عقلانی
۰/۶۶۴	۰/۲۹	-۰/۰۱	الگوی آزادی مدار >--- تنظیم هیجان >--- سبک عقلانی
۰/۰۱۸	۳/۶۱	۰/۰۷	الگوی امنیت مدار >--- تنظیم هیجان >--- سبک اجتنابی
۰/۰۲۷	۳/۴۵	۰/۰۶	الگوی آزادی مدار >--- تنظیم هیجان >--- سبک اجتنابی

گیری بود. طبق نتایج مطالعه حاضر، الگوی آزادی مدار رابطه والد فرزند دارای اثر مستقیم بر راهبردهای ناسازگارانه تنظیم هیجان است. به عبارت دیگر الگوی آزادی مدار رابطه والد فرزند می تواند پیش بین راهبردهای ناسازگارانه تنظیم هیجان در فرزندان باشد. در تبیین این یافته باید بیان داشت که در الگوی آزادی مدار رابطه والد فرزند، در بافت ارتباط فرزندان با والدین تزلزل و نرمی درون فردی دیده می شود به طوری که رابطه والد فرزند بر اساس بی ثباتی، تجربه هیجانات منفی و مثبت با شدت بالا مانند عصبانیت و یا مهربانی شدید و به سرعت در حال تغییر، عدم ثبات قاعده و قانون و غیرقابل پیش بینی بودن آن، سخت گیری و در عین حال سهل گیری و عدم ثبات

ارزیابی اثرات غیرمستقیم نشان می دهد که بجز اثر غیرمستقیم الگوی امنیت مدار بر سبک آنی، اثر غیرمستقیم الگوی آزادی مدار بر سبک شهودی و اثر غیرمستقیم الگوی آزادی مدار بر سبک عقلانی مابقی اثرات غیرمستقیم الگوهای رابطه والد فرزند بر سبک های تصمیم گیری، معنادار هستند. بنابراین رابطه غیرمستقیم الگوهای رابطه والد فرزند بر سبک های تصمیم گیری به واسطه تنظیم هیجان معنادار است.

### بحث

هدف از این مطالعه بررسی نقش واسطه ای تنظیم هیجان در رابطه بین الگوی رابطه والد فرزند و سبک های تصمیم

آن موقعیت و تصمیم گیری اجتناب کنند و سبک اجتنابی تصمیم گیری را پرورش دهند (۱۱).

طبق نتایج مطالعه حاضر، الگوی امنیت مدار رابطه والد فرزند دارای اثر مستقیم بر سبک اجتنابی و آنی تصمیم گیری است. در تبیین این یافته باید بیان داشت که در این الگوی ارتباطی، فرزندان به دلیل داشتن خصایصی چون گرایش به مدارا، رعایت حال دیگران، صبر، در اولویت قرار دادن خواسته های دیگران و امتناع از تخریب تصویر خوب در چشم اطرافیان از اقدامات مورد علاقه خود چشم می پوشند و این مسئله مانع کسب تجربه و عبرت و نیز رشد و تحول در نظام ارزشها و باورهای می شود که معمولاً افراد در موقعیت تصمیم گیری با رجوع به آنها دست به تصمیم گیری می زنند. فرزندان تربیت شده الگوی تربیتی امنیت مدارا، افرادی هستند که بیش از اندازه تحت کنترل و محدودیت والدین خود بوده اند و بنابراین معمولاً در شرایط محدود کننده ای پرورش یافته اند که آنها را از دست زدن به عمل و کسب تجربه بازداشته و مانع رشد و پختگی آنها شده است (۱۰) و اینها همگی می تواند موجب سبک اجتنابی و آنی در فرایند تصمیم گیری شود. Offrey LD, Rinaldi (۸) در مطالعه خود نشان دادند که نوع رابطه والد فرزند می تواند مهارت حل مسئله را در نوجوانی پیش بینی کند و نوجوانان دارای تجربه مثبت با والدین خود از مهارت بیشتری در حل مسئله به ویژه در موقعیتهای حساس و استرس زا خبر می دهند.

طبق نتایج مطالعه حاضر، راهبردهای سازگاران تنظیم هیجان دارای اثر مستقیم مثبت بر سبک عقلانی تصمیم گیری و دارای اثر مستقیم منفی بر سبک شهودی، آنی، اجتنابی و وابستگی تصمیم گیری هستند. در تبیین این یافته باید بیان داشت که راهبردهای سازگاران تنظیم هیجان همچون پذیرش با فعال کردن تفکر با محتوای پذیرش رویدادهای ناراحت کننده، تمرکز مجدد مثبت با فعال کردن تفکر به موضوعات لذت بخش و شاد به جای تفکر درباره رویداد منفی، تمرکز مجدد بر برنامه ریزی با فعال کردن تفکر درباره مراحل فابری آمدن بر رویداد منفی یا تغییر آن، در واقع ترغیب کننده الگوهای تفکر و شناخت در افراد هستند. این راهبردها به فرد کمک می کنند تا در مواقع هیجانی و احساسی قادر شوند با استفاده از توان شناختی و عقلانی خود بر آن رویداد غلبه کنند و این تقویت کننده قدرت تفکر و عقلانی نگریستن به امور است و می تواند

اولویت های ارزشی است. مشخص است که در چنین بافت ارتباطی کودک هیچگونه حد و مرز منطقی و قابل تعریفی را تجربه نمی کند تا قابلیت مدیریت کردن و تنظیم کردن امور هیجانی، رفتاری و شناختی را فرا گیرد و این می تواند همراه با شکل گیری راهبردهای ناسازگارانه تنظیم هیجان در فرزندان همراه باشد (۱۰). این نتایج همسو با یافته Brumariu (۹) است که در مطالعه خود نشان داد که فرزندان که از روابط مثبت با والدین خود خبر می دهند و نسبت به سایر کودکان در موقعیت های استرس زا از توانایی بیشتر در مدیریت هیجانات و استرس و اقدامات مناسب ظاهر می شوند.

طبق نتایج مطالعه حاضر، الگوی امنیت مدار رابطه والد فرزند دارای اثر مستقیم منفی بر راهبردهای سازگاران تنظیم هیجان است. در تبیین این یافته باید بیان داشت که این الگوی ارتباط والد - فرزند با ابعادی مانند انعطاف ناپذیری، رسمیت، محدودیت و کنترل بیش از حد همراه است که در آن کودک مجبور است برای کسب پذیرش از سمت والدین تابع خواسته آنها باشد و این به معنای نادیده گرفتن احساسات و هیجانات فرزندان هم توسط خودشان و هم والدین است. در واقع در الگوی امنیت مدار فرزندان تحت کنترل والدین هستند و برای ممانعت از طرد شدن از سوی والدین باید با احساسات و خواسته های خود مقابله کنند و حق ابراز آن را ندارند که این نیز زمینه ضعف راهبردهای سازگاران تنظیم هیجان و بروز راهبردهای ناسازگاران تنظیم هیجان را فراهم می سازد (۱۱).

طبق نتایج مطالعه حاضر، الگوی آزادی مدار رابطه والد فرزند دارای اثر مستقیم بر سبک اجتنابی تصمیم گیری است. در تبیین این یافته باید بیان داشت که در این الگوی ارتباطی، حمایت افراطی والدین از فرزند که همراه با نازپروردگی است مانع کسب مواجهه کودک با امور زندگی می شود و بنابراین چنین فرزندان از کسب تجربه برای حل مسائل و تصمیم گیری و انتخاب گزینه های درست محروم می شوند. همچنین به دلیل اینکه چنین والدینی بیش از اندازه به خواسته و نیاز کودکشان اهمیت می دهند و بدون اینکه محدودیتی را در نظر بگیرند، تمام امکانات و شرایط را برای وی فراهم می سازند این می تواند موجب شود تا این فرزندان در هر موقعیتی متمرکز بر خواسته ها و علائق خود باشند و در برخورد با مشکلات و شرایط استرس احساس ناتوانی کنند و برای حفظ امنیت خود از

مدار رابطه والد فرزند با تحت تاثیر قرار دادن راهبردهای سازگارانه و یا ناسازگارانه تنظیم هیجان می توانند پیش بین سبکهای تصمیم گیری در فرزندانش باشند. یکی از خصوصیات نوجوانان تجربه هیجانات مختلف و زودگذر است که این موج هیجانات نوسانی با برانگیختن آنها، زمینه بروز رفتارهای هیجانی و تکانشی و بدون تفکر را در آنها فراهم می سازد. همچنین نوجوانان به دلیل تحولات رشدی و تحولی خود با گرایش به هیجان خواهی و جستجو کردن هیجان ها و تجربیات و احساسات گوناگون، جدید، پیچیده و پرشور و میل به خطر کردن ظاهر می شوند (۱). در واقع نوجوانان اغلب به دلیل هیجان خواهی بالای خود، تمایل به تحریک مداوم مغز خود دارند و این فرایند آنها را به دنبال امور و شرایط هیجانی و افزایش سطح برانگیختگی سوق می دهد که این به معنای کاهش توان شناختی و احساسی عمل کردن در مواجهه با مسائل مختلف است (۲). بنابراین مواجهه یک نوجوان با شرایط پرتنش و حساس می تواند همراه با بروز هیجانات شدید و پیچیده ای در آنها باشد که توان آنها را برای تفکر و تامل و عمل منطقی و درست تحلیل می برد و در چنین شرایطی تنها وجود مهارتهای تنظیم هیجان می تواند آنها را در مدیریت و تعدیل بار هیجانی موجود و فعال ساختن قدرت شناختی و در نتیجه تصمیم گیری منطقی و عقلانی یاری برساند. بر این اساس راهبردهای تنظیم هیجان سازگارانه، به ویژه در دوره نوجوانی با واداشتن فرد به تفکر و برنامه ریزی، آنها را در مدیریت بهتر هیجانات و کاهش احتمال رفتارهای احساسی و در نتیجه بهبود عملکرد به ویژه تصمیم گیری کمک می کنند. چنین می توان استدلال کرد که نوع تجربه فرزندان از ماهیت رابطه با والدشان می تواند تعیین کننده راهبردهای تنظیم هیجان سازگارانه یا ناسازگارانه در آنها باشد. در الگوی رابطه والد فرزند آزاد مدار والدین به واسطه ضعفشان در مشخص ساختن ارزشها و باورها برای اعضای خانواده موجب می شوند فرزندان در شرایط هیجانی به دلیل عدم برخورداری از یک سری اصول ارزشی و فکری که می تواند تعیین کننده جهت آنها در برخورد با آن شرایط باشد، ناتوان عمل کنند و به دلیل مواجهه احساسی و هیجانی با مسئله پیش رو، هیجانات منفی شدیدی را تجربه کنند که خود بازدارنده آنها برای یک مقابله موثر با موقعیت است. در واقع در الگوی رابطه والد فرزند آزاد مدار فرزندان به جای گرفتن یک مجموعه ای از ارزشها

سبک تصمیم گیری عقلانی را پیش بینی کند (۱۶). بنابراین مهارت یافتن در راهبردهای سازگارانه تنظیم هیجان فرد را مجهز به این توانمندی می سازد تا به صورت واقعی با رویداد پیش رو مواجهه شود و با بکارگیری قدرت شناختی به حل مسائل هیجانی بپردازد و بنابراین دیگر لزومی به استفاده از سبک های تصمیم گیری شهودی، آنی، اجتنابی و وابستگی از سوی فرد نمی باشد. Zimmermann و همکاران (۲۰) در مطالعه خود بر روی نوجوانان نشان دادند که نوجوانانی که از راهبردهای سازگارانه تنظیم هیجان استفاده می کنند در برخورد با دوستان خود و مشکلاتی که در رابطه با آنها ممکن است پیدا کنند، نسبت به سایر همسالان خود بهتر می توانند با بکارگیری مهارت حل مسئله سازنده و مقابله موثر مشکل موجود را رفع نمایند.

همچنین طبق نتایج مطالعه حاضر، راهبردهای ناسازگارانه تنظیم هیجان دارای اثر مستقیم منفی بر سبک عقلانی تصمیم گیری و دارای اثر مستقیم مثبت بر سبک شهودی، آنی، اجتنابی و وابستگی تصمیم گیری هستند. در تبیین این یافته باید بیان داشت که راهبردهای ناسازگارانه تنظیم هیجان همچون سرزنش خود و مقصر دانستن خود برای رویدادهای اتفاق افتاده، نشخوار ذهنی به صورت اشتغال ذهنی درباره احساسات و تفکرات مرتبط با رویداد منفی، سرزنش دیگران و یا فاجعه سازی در ارتباط با آن رویداد می تواند با برجسته ساختن و تقویت هیجانات شدید و منفی و کاهش قدرت تفکر و شناخت، به تشدید رویداد منفی دامن بزند و زمینه را برای بروز سبک های تصمیم گیری شهودی، آنی، اجتنابی و وابستگی و کاهش احتمال سبک عقلانی تصمیم گیری فراهم سازد. Martin & Dahlen (۲۳) در بررسی خود نشان دادند که افراد برخوردار از راهبردهای سازگارانه تنظیم هیجان به دلیل اینکه در مدیریت هیجانات منفی خود موفقتر هستند نسبت به سایر افراد کمتر از علائم افسردگی، اضطراب و استرس رنج می برند و به طور کلی در زندگی خود از عملکرد بهتری خبر می دهند. Lerner & Keltner (۲۴) در بررسی خود نشان دادند که توانایی افراد در تنظیم هیجانات با برتری عملکرد آنها در قضاوت و انتخاب گزینه های مناسب از بین چندین گزینه همراه است.

طبق نتایج مطالعه حاضر، تنظیم هیجان در رابطه بین الگوی رابطه والد فرزند و سبک های تصمیم گیری دارای نقش میانجی بود. به طوری که الگوی امنیت مدار و آزادی

اعتماد به ارزشمند بودن خود را از دست می دهد بلکه به واسطه ایجاد محدودیت و کنترل شدید، به فرزندان مجالی داده نمی شود که هیجانات خود را آن طور که هستند نشان دهند. بنابر این کنترل ها موجب کاهش توانمندی فرزند بر کنترل شخصی شده و توان مدیریت هیجانی در آنها کاهش می یابد و این احتمال استفاده از راهبردهای ناسازگارانه تنظیم هیجان را در آنها افزایش می دهد که خود می تواند موجب افزایش احتمال نشان دادن سبک تصمیم گیری آنی، اجتنابی و شهودی را در آنها و کاهش سبک تصمیم گیری عقلانی در آنها باشد. بنابراین این افراد به دلیل عدم رشد و تحول در نظام ارزشها و باورهای خود و ناتوانی در مواجهه با واقعیت پیش رو و دریافت و پردازش اطلاعات موجود، در مواجهه با موقعیتهای تصمیم گیری با ضعف و بی کفایتی ظاهر شده و تا جای ممکن با اجتناب سعی دارند از موقعیت پیش رو فرار کنند یا دست به اقدامی بزنند که صرفاً به آنها در رهایی از آن موقعیت در سریعترین زمان ممکن کمک کند.

محدودیت های پژوهش حاضر، نمونه مورد بررسی محدود به دانش آموزان دوره دوم متوسطه شهر تهران بود. بنابراین تعمیم یافته ها به سایر دانش آموزان را با محدودیت مواجه می سازد و لازم است تحقیق با نمونه های دیگر نیز انجام پذیرد. همچنین این پژوهش از نوع تحقیقات همبستگی است و هر چند در تحقیقات همبستگی نیز می توان براساس نظریه در مورد علت و معلول سخن گفت اما برای بررسی واقعی تاثیر متغیر مستقل بر وابسته، به پژوهش های آزمایشی نیاز هست. محدودیت دیگر پژوهش این است که اطلاعات جمع آوری شده صرفاً از طریق خود گزارشی شرکت کنندگان از طریق پرسشنامه به دست آمده است و استفاده از منابع چندگانه اخذ اطلاعات می تواند به نتایج معتبرتر کمک کند. بر این اساس پیشنهاد می شود به منظور افزایش اعتبار تعمیم یافته ها، مطالعات بعدی بر روی جمعیت وسیع تر دانش آموزان انجام شود و همچنین به منظور دستیابی به نتایج معتبرتر، مطالعات بعدی می توانند داده ها را از طرقی غیر از خودگزارشی، مثلاً از طریق مصاحبه به دست بیاورند.

### نتیجه گیری

نتایج مطالعه حاکی از این بود که در دانش آموزان، الگوی رابطه والد فرزند می تواند با تحت تاثیر قراردادن

و باورهای مثبت از والدین خود دچار نوعی درهم تنیدگی هستند که آنها را در مواجهه سازنده و با رعایت حد و مرز در برخورد با شرایط هیجانی ناتوان می سازد و این می تواند زمینه بکارگیری راهبردهای ناسازگارانه تنظیم هیجان و در نتیجه افزایش شدت بار هیجانی موقعیت را فراهم سازد و احتمال سبک تصمیم گیری عقلانی را کاهش و احتمال نشان دادن سبک تصمیم گیری آنی، اجتنابی و شهودی را در آنها افزایش دهد (۱۰). الگوی ارتباطی آزادی مدار والد فرزند گویای سبک تربیتی است که فرزندان در آن با جو عاطفی بدون قید و شرط و سهل گیرانه روبرو هستند و این الگوی تربیتی آنها را مقید به رعایت اصول و چهارچوبی خاص نمی سازد. این افراد معمولاً ملاک و میزانی برای کنترل رفتار خود ندارند، در مقابل دیگران احساس مسئولیت نمی کنند، قادر به زندگی اجتماعی نیستند، نمی توانند با دیگران کنار بیایند و اغلب در زندگی با شکست و ناکامی و عملکرد ضعیف ظاهر می شوند. نتیجه پرورش در چنین بافتی این خواهد بود که فرزندان نه تنها یاد نمی گیرند تا مصالح و منافع جمعی را که در آن زندگی می کنند، رعایت کنند و در اقدامات خود به راحتی دیگران از نظردور بدارند؛ بلکه آنها متوجه مصالح و منافع خود نیز نیستند (۱۱). فرزندان پرورش یافته در چنین خانواده هایی، بی بند و بار، لاپالایی، سهل انگار، خودخواه و بی هدف هستند و به دلیل اینکه نحوه مقابله و کنار آمدن با چالشهای زندگی را فرا نگرفته اند، معمولاً در مواجهه با شرایط تصمیم گیری بدون رعایت اصول عقلانی و منطقی و فارغ از هرگونه قید و بندی ممکن است با طیفی از اقدامات نادرست مختلف اعم از اجتناب از موقعیت، تکانشی عمل کردن و یا رفتار آنی و زودگذر ظاهر شوند و این به معنای ناتوانی آنها در تصمیم گیری و شکل نگرفتن سبک سازگارانه تصمیم گیری در آنهاست (۱۱). همچنین الگوی امنیت مدار ارتباط والد - فرزند با ابعادی مانند انعطاف ناپذیری، رسمیت، محدودیت و کنترل موجب می شوند پذیرش فرزند منوط به فراموش کردن هویت مستقل خودش اعم از بعد هیجانی، رفتاری و شناختی باشد. فرزندان تربیت شده الگوی تربیتی امنیت مدار، افرادی هستند که بیش از اندازه تحت کنترل و محدودیت والدین خود بوده اند و بنابراین معمولاً در شرایط محدود کننده ای پرورش یافته اند که آنها را از دست زدن به عمل و کسب تجربه بازداشته و مانع رشد و پختگی آنها شده است (۱۰). در این چنین بافت ارتباطی، فرزند نه تنها

### سیاسگزاری

این پژوهش مصوب در کمیته اخلاق در پژوهش در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات با شناسه IR.IAU.SRB. REC.1399.199 می باشد. نویسندگان از مسئولین آموزش و پرورش و دانش آموزشی که در پژوهش شرکت داشتند کمال تشکر و قدردانی دارند.

### تضاد منافع

این مقاله تضاد منافع ندارد.

راهبردهای تنظیم هیجان سبک های تصمیم گیری را پیش بینی کند. تصمیم گیری یک مقوله حیاتی در مورد نوجوانان است و بنابراین با توجه به اینکه رابطه والد فرزند و راهبردهای تنظیم هیجان در این رابطه دارای اهمیت است، فعالان حوزه تعلیم و تربیت می توانند به منظور ارتقای سبک های تصمیم گیری در نوجوانان، با استناد به نتایج مطالعه حاضر به طراحی مداخلاتی آموزشی و درمانی مبتنی بر اصلاح الگوی رابطه والد فرزند و راهبردهای تنظیم هیجان دست بزنند.

### References

1. Hamaker EL, Mulder JD, van IJzendoorn MH. Description, prediction and causation: Methodological challenges of studying child and adolescent development. *Developmental cognitive neuroscience*. 2020; 3(1):390-400. <https://doi.org/10.1016/j.dcn.2020.100867>
2. Páez-Gallego J, Gallardo-López JA, López-Noguero F, Rodrigo-Moriche MP. Analysis of the Relationship between Psychological Well-Being and Decision Making in Adolescent Students. *Frontiers in Psychology*. 2020; 11:1195-1206. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2020.01195>
3. Douma LN, Uiters E, Timmermans DR. Decision-making styles in the context of colorectal cancer screening. *BMC psychology*. 2020; 8(1):11-21. <https://doi.org/10.1186/s40359-020-0381-1>
4. Scott SG, Bruce RBA. Decision-making style: The development and assessment of a new measure. *Educational and psychological measurement*. 1995; 55(5):818-31. <https://doi.org/10.1177/0013164495055005017>
5. Čopková R, Christenková Z. The Effect of Dark Triad Traits on Decision-Making Styles. *Psychological Thought*. 2021;14(1):74-85. <https://doi.org/10.37708/psyct.v14i1.556>
6. Dinisman T, Andresen S, Montserrat C, Strózik D, Strózik T. Family structure and family relationship from the child well-being perspective: Findings from comparative analysis. *Children and Youth Services Review*. 2017; 80:105-15. <https://doi.org/10.1016/j.childyouth.2017.06.064>
7. Ibabe I, Bentler PM. The contribution of family relationships to child-to-parent violence. *Journal of family violence*. 2016; 31(2):259-69. <https://doi.org/10.1007/s10896-015-9764-0>
8. Offrey LD, Rinaldi CM. Parent-child communication and adolescents' problem-solving strategies in hypothetical bullying situations. *International Journal of Adolescence and Youth*. 2017; 22(3):251-67. <https://doi.org/10.1080/02673843.2014.884006>
9. Brumariu LE. Parent-child attachment and emotion regulation. *New directions for child and adolescent development*. 2015; 2015(148):31-45. <https://doi.org/10.1002/cad.20098>
10. Khorasani Zadeh A, Poursharifi H, Ranjbaripour T, Bagheri F, Poyamanesh J. Structural pattern of the relationship between parent-child relation patterns and early maladaptive schemas with the mediating role of attachment styles. *Quarterly of Applied Psychology*, 13 (1): 55-76. *Archive of SID* www. SID. ir. 2019:2.
11. Bagheri F, Ghafari Javar Zadegan F. A study of psychometric characteristics and the theoretical model of parent child relation pattern questionnaire among 15-30 year old individuals in Tehran. *Quarterly of Educational Measurement*. 2013;3(12):41-70.
12. Gross JJ. Emotion regulation. *Handbook of emotions*. 2008; 3(3):497-513.
13. Thompson RA. Emotion regulation: A theme in search of definition. *Monographs of the society for research in child development*. 1994; 59(2-3):25-52. <https://doi.org/10.1111/j.1540-5834.1994.tb01276.x>
14. Kraaij V, Garnefski N. The behavioral emotion regulation questionnaire: development, psychometric properties and relationships with emotional problems and the cognitive emotion regulation questionnaire. *Personality*

- and Individual Differences. 2019; 137:56-61. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2018.07.036>
15. Garnefski N, Kraaij V. The cognitive emotion regulation questionnaire. *European Journal of Psychological Assessment*. 2007; 23(3):141-9. <https://doi.org/10.1027/1015-5759.23.3.141>
  16. Barthel AL, Hay A, Doan SN, Hofmann SG. Interpersonal emotion regulation: A review of social and developmental components. *Behavior Change*. 2018; 35(4):203-16. <https://doi.org/10.1017/bec.2018.19>
  17. Karaer Y, Akdemir D. Parenting styles, perceived social support and emotion regulation in adolescents with internet addiction. *Comprehensive psychiatry*. 2019; 92:22-7. <https://doi.org/10.1016/j.comppsy.2019.03.003>
  18. Shaffer A, Obradović J. Unique contributions of emotion regulation and executive functions in predicting the quality of parent-child interaction behaviors. *Journal of Family Psychology*. 2017; 31(2):150-166. <https://doi.org/10.1037/fam0000269>
  19. Reindl V, Gerloff C, Scharke W, Konrad K. Brain-to-brain synchrony in parent-child dyads and the relationship with emotion regulation revealed by FNIRS-based hyper scanning. *Neuro Image*. 2018; 178:493-502. <https://doi.org/10.1016/j.neuroimage.2018.05.060>
  20. Zimmermann P, Maier MA, Winter M, Grossmann KE. Attachment and adolescents' emotion regulation during a joint problem-solving task with a friend. *International Journal of Behavioral Development*. 2001; 25(4):331-43. <https://doi.org/10.1080/01650250143000157>
  21. Martin RC, Dahlen ER. Cognitive emotion regulation in the prediction of depression, anxiety, stress, and anger. *Personality and individual differences*. 2005; 39(7):1249-60. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2005.06.004>
  22. Lerner JS, Keltner D. Beyond valence: Toward a model of emotion-specific influences on judgement and choice. *Cognition & emotion*. 2000; 14(4):473-93. <https://doi.org/10.1080/026999300402763>
  23. Azizi S, Makkizadeh V. Consumer decision-making style: the case of Iranian young consumers. *Journal of Management research*. 2012; 4(2):88. <https://doi.org/10.5296/jmr.v4i2.1222>
  24. Dadkhah A, Shirinbayan P. Cognitive emotion regulation in aged people: Standardization of Cognitive Emotion Regulation Questionnaire in Iran. *Iranian Rehabilitation Journal*. 2012;10(2):24-7.
  25. Shim S, Barber BL, Card NA, Xiao JJ, Serido J. Financial socialization of first-year college students: The roles of parents, work, and education. *Journal of youth and adolescence*. 2010; 39(12):1457-70. <https://doi.org/10.1007/s10964-009-9432-x>
  26. Sarempour M, Ghobari Bonab B, Bagheri F. The explanatory model of the relationship between attachment to god and parents and quality of life of poorly supervised and neglected girls through the mediating role of self-compassion. *Quarterly Journal of Child Mental Health*. 2020;7(3):248-63. <https://doi.org/10.52547/jcmh.7.3.20>